

شاپا چاپی: ۶۹۸۰ - ۲۲۵۱
شاپا الکترونیکی: ۵۲۳۴ - ۲۶۴۵

نشریه علمی

«مدیریت اسلامی»

(تابستان ۱۳۹۸، سال ۲۷، شماره ۲: ۹۳ - ۶۹)



تبیین استعاره‌ی الگوی حاکمیت در بیان قرآن کریم

رضا سپهوند *

حسن صالحی ***

یونس فرقانی **

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۶/۱۰

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۷/۰۹

چکیده

در دو دهه اخیر مقوله حاکمیت خوب در مجامع علمی و سیاسی جهان و همچنین در داخل کشور مورد توجه بسیار بوده است و از این نظریه برای قضاوت درباره میزان «خوب» بودن حاکمیت در کشورها استفاده می‌شود. این مقاله ضمن بررسی اجمالی انتقادات وارد شده به نظریات «حاکمیت خوب» غربی و با هدف دستیابی به نظریه‌ای اسلامی از حاکمیت به مطالعه قرآن کریم پرداخته است. نظر به حجم وسیع آیات قرآن در توضیح ابعاد حاکمیت فرعون، سعی شده است با استخراج الگویی از آن به‌عنوان «حاکمیت بد» به روشن شدن سر دیگر طیف، که «حاکمیت خوب» است، پرداخته شود؛ لذا با روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم، آیات مرتبط مورد تدبر قرار گرفت و پس از به دست آوردن مفاهیم اولیه و بازبینی آنها، الگوی حاکمیت فرعون با بهره‌گیری از راهبرد استدلال استعاره‌ای استخراج شد. در الگو روشن شد که حاکمیت از دیدگاه قرآن، دو بعد باطنی و ظاهری دارد و باطن آن، که معادل نسبت حاکمیت با خداوند است در ظاهر آن، که همانا نسبتش با مردم را شامل می‌شود، متجلی می‌شود. هر یک از این ابعاد دارای سه بخش نگرش، رویکرد و عملکرد است که به ترتیب بر یکدیگر اثر می‌گذارد.

کلیدواژه‌ها: حاکمیت خوب، استدلال استعاره‌ای، روش تحقیق موضوعی، قرآن کریم.

mrrezasep@gmail.com

forghani87@gmail.com

ha.salehi@chmail.ir

* نویسنده مسئول: استاد گروه مدیریت دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه لرستان

** دانشجوی دکتری خط‌مشی‌گذاری عمومی، دانشگاه تهران، پردیس فارابی

*** دانشجوی دکتری رفتار سازمانی، دانشگاه لرستان

مقدمه

پس از روشن شدن کمبود نظریات مدیریت دولتی، که بر سیاستهای کوچک‌سازی دولت و تعدیل ساختاری تأکید می‌کند، سازمانهای بین‌المللی نظیر بانک جهانی و سازمان ملل به حمایت گسترده از الگوی حاکمیت خوب پرداخته‌اند و کمکها و حمایتهای وسیع خود را در راستای گسترش آن به کار گرفتند. این نظریه در حال حاضر، پذیرفته شده است و نظریه‌ای بی‌رقیب در سطح بین‌المللی برای بهبود وضعیت کشورهای در حال توسعه به‌سوی توسعه مورد استقبال پژوهشگران قرار گرفته است. با نگاهی عمیقتر به آن، می‌توان ردپای ارزشهای خاص غربی و نیز فلسفه نئولیبرالیسم را در آن دید به‌گونه‌ای که می‌توان گفت این نظریه عملاً طرحی است نه برای توسعه جوامع جهان‌سومی، بلکه برای توسعه ارزشها و فرهنگ غربی در این جوامع. جوامع در حال توسعه نیز از این الگو استقبال وسیعی کرده و آن را الگوی عمل خود قرار داده‌اند (حسینی و واثق، ۱۳۹۳). سؤال این است که آیا واقعاً می‌توان این نظریه را برای کشورهای غیر غربی و بویژه جوامع اسلامی نیز تجویز کرد.

مطابق ادعای طراحان حاکمیت، قرار این است که این نظریه توان انطباق با وضعیت همه نقاط جهان را داشته باشد و فرمولی جهانی اما منعطف از ویژگیهای حکومت ارائه کند (رفیع پور، ۱۳۸۷: ۲۵)؛ اما با جستجو در مباحثی که درباره آن مطرح می‌شود، می‌توان جهتگیریهای آن را نشان داد؛ به طور مثال در این مورد به یکی از شواهدی اشاره می‌شود که می‌توان به آن استناد کرد. در اعلامیه هزاره سازمان ملل متحد آشکارا آزادی، دموکراسی و اعلامیه حقوق بشر، برخی از ارزشهای پیشفرض حاکمیت اعلام می‌شود که این مطلب با ادعای جهانشمولی و انطباق‌پذیری با فرهنگهای مختلف در تعارض است (ر.ک: اعلامیه هزاره ملل متحد، ۱۳۸۳). طبق نظر دمرس «فهرست سه‌گانه توسعه در اقتصاد، حاکمیت و سیاست در واقع بسیار از بی‌طرفی یا عدم نفع شخصی دور است؛ چراکه حاکمیت خوب و فرایند مردم‌سالاری از مفاهیم و سیاستهایی برخاسته است که پشتیبان نئولیبرالیسم و منافع اقتصاد جهانی است. رایبسون ادعا می‌کند که برنامه بازار آزاد و دموکراسی در صدد است تا از طریق خلق وضعیت بهتر، دنیا را به محیط مناسبی برای سرمایه‌داری جهانی تبدیل کند» (دمرس^۱، ۲۰۰۵: ۲۱). بی دلیل نیست که نهادهای بین‌المللی نیز

کمکهای خارجی خود را با توجه به رتبه‌بندی بانک جهانی تنظیم می‌کند که کشورها را بر پایه شیوه مملکتداری حکومتها رتبه‌بندی کرده (سیدمحسنی باغسنگانی، ۱۳۸۵: ۴۵). اگر بخواهیم از ابعاد سیاسی مسئله نیز چشم‌پوشی کنیم، باید گفت وصف "خوبی" در نظریه حاکمیت خوب، کاملاً هنجاری و ارزشی است که ممکن است در نگاه‌ها و فرهنگهای مختلف مفهومی کاملاً مغایر و مختلف داشته باشد.^۱ توجه به این مطالب لزوم ارائه نظریه‌ای بومی در زمینه حاکمیت را آشکار می‌کند. از آنجاکه طراحی شاخصهای متناسب با نگاه اسلامی، پیچیده و دشوار است، می‌توان به دنبال روشی بود که این راه را آسانتر کند. به نظر می‌رسد، ساخت مقوله‌ای به نام "حاکمیت بد" و بیان عوامل و شاخصهای آن، راه را به مقدار زیادی آسان کند؛ همان‌گونه که بانک جهانی نیز حاکمیت بد را با شاخصهایی متضاد با شاخصهای حاکمیت خوب معرفی کرده است؛ به عبارت دیگر بنا بر قاعده تُعَرَفُ الْأَشْيَاءُ بِأَضْدَادِهَا، می‌توان با شناخت ویژگیهای سرِ دیگر طیف به شناسایی و طراحی معیارهایی برای حاکمیت مطلوب دست یافت. در این راستا، یک راه میسر برای پی بردن به چگونگی حاکمیت بد، رجوع به قرآن و یافتن شاخصهایی است که در قرآن، چگونگی حاکمیت بد توصیف شده است؛ برای این منظور، رجوع به قصه‌های قرآنی مشکل‌گشا است. یکی از حکومتهایی که در قرآن بیشتر به آن پرداخته شده است و به نظر می‌رسد توان پاسخگویی به سؤال "شاخصهای حاکمیت بد چیست؟" را دارد، حکومت فرعون است. بنابراین شناسایی عوامل حکومت فرعون، که البته ممکن است شامل برخی عوامل مطلوب هم شود، می‌تواند الگوی ارزیابی معکوس چگونگی حاکمیت جوامع باشد به این بیان که چگونگی حاکمیت در جامعه، هر قدر از عوامل منفی این الگو فاصله بیشتری داشته باشد، آن چگونگی حاکمیت، مطلوبتر خواهد بود. به علاوه با شناخت این عوامل، می‌توان شناختی نسبی از عوامل مطلوب به دست آورد.

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه، رک: دباغ، سروش و نفری، ندا، "تبیین مفهوم خوبی در حکمرانی خوب"، نشریه مدیریت

دولتی، دوره ۱، ش ۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۸: ۱۸-۳.

مبانی نظری پژوهش

حاکمیت

واژه حاکمیت^۱ به تمامی فرایندهای حکومت کردن، خواه به وسیله دولت باشد یا بازار یا شبکه اشاره دارد و ممکن است بر روی خانواده، قبیله، سازمان یا منطقه رسمی یا غیررسمی صورت پذیرد و می‌تواند از طریق قوانین، هنجارها، قدرت یا زبان انجام شود (سردارنیا، ۱۳۸۸: ۱۳۵). برای تمایز اصطلاح حاکمیت از حکومت باید توجه کرد که حکومت، بدنه‌ای رسمی است که اختیار گرفتن تصمیمات در سامانه سیاسی مشخصی به آن داده شده است؛ اما فرایند حاکمیت، که شامل همه بازیگران اثرگذار بر فرایند تصمیم‌گیری (نظیر لایبها، احزاب، رسانه‌ها) است بر "هیئت حاکم" مربوط متمرکز شده است. در واقع حکومت، نهادهای سیاسی - اداری و دستگاه‌های قانونگذاری، اجرایی، قضایی و نظامی را دربر می‌گیرد که عهده‌دار برقراری نظم و امنیت، گرداندن جامعه و برآوردن نیازهای گوناگون شهروندان هستند؛ درحالی‌که حاکمیت به فرایندهای تصمیم‌گیری، چگونگی کاربرد قدرت و روابط دولت و شهروندان اشاره دارد (سردارنیا، ۱۳۸۸: ۱۳۵). همان‌طور که بیان شد در برخی از تعاریف حاکمیت، جهت‌گیری نظری کمتری هست و این تعاریف بیشتر به خود مفهوم حاکمیت، صرف‌نظر از رویکردی نظری خاصی پرداخته است؛ برای مثال، بانک جهانی^۲ حاکمیت را تعریف می‌کند: "روشها و نهادهایی که به وسیله آنها اقتدار^۳ در هر کشور به کار گرفته می‌شود". این تعریف شامل این موارد است:

۱. فرایندهایی که به وسیله آنها دولتها انتخاب می‌شوند؛ مورد نظارت قرار می‌گیرند و جایگزین می‌شوند.

۲. ظرفیت دولت برای فرموله کردن و اجرای مؤثر خط‌مشی‌های خوب.

۳. احترام شهروندان و حکومت به نهادهایی که تعاملات اقتصادی و اجتماعی میان آنها را اداره می‌کنند (کافمن، کرای و لوباتون^۴، ۱۹۹۹: ۱).

برنامه توسعه سازمان ملل متحد، حاکمیت را اعمال قدرت اقتصادی، سیاسی و اداری برای مدیریت کارهای عمومی هر کشور در تمام سطوح می‌داند. بنابراین حاکمیت شامل سازوکارها،

1. Governance

2. The Worldwide Governance indicators project of the World Bank

3. Authority

4. Kaufmann, Kraay and Lobaton

فرایندها و نهادهایی است که شهروندان و گروه‌ها از خلال آنها منافع خود را تبیین، و حقوق مشروع خود را اعمال می‌کنند و تعهداتشان را انجام می‌دهند (ویس^۱، ۲۰۰۰: ۷۹۷). مؤسسه حاکمیت اتاوا^۲ حاکمیت را شامل نهادها، فرایندها و مقرراتی در جامعه می‌داند که چگونگی اعمال قدرت، چگونگی اتخاذ تصمیمات مهمی که جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و توزیع منافع متفاوت از طریق این تصمیمات را تعیین می‌کند (ویس، ۲۰۰۰: ۷۹۷). سازمان توسعه بین‌المللی کانادا نیز در تعریفی مشابه، حاکمیت را نهادها، فرایندها و روشهایی مرتبط با مسائل مورد توجه در بخش عمومی می‌داند که مشخص می‌کند قدرت چگونه اعمال شود؛ تصمیم‌ها چگونه گرفته شود و شهروندان چگونه نظر و خواسته‌هایشان را بیان کنند (منوریان، ۱۳۷۹: ۱۹). هم‌چنین در یکی از گزارشهای بانک جهانی درباره قاره آفریقا، حاکمیت به صورت اعمال قدرت سیاسی به منظور اداره کارهای هر ملت معنا شده است (استریتن، ۱۳۸۳: ۱۹۴). هم‌چنین طبق گزارش گروه حاکمیت جهانی یا همسایگی جهانی ما، حاکمیت مجموعه‌ای از روشهای فردی و نهادی، عمومی و خصوصی است که کار مشترک مردم را اداره می‌کند. حاکمیت فرایندی پیوسته است که از طریق آن منافع متضاد یا گوناگون همساز، و اقدام همکاری‌جویانه اتخاذ می‌شود. حاکمیت شامل نهادهای رسمی و نظامهایی است که برای تضمین رعایت قانون و نیز قراردادهای غیررسمی قدرت پیدا کرده‌اند که مردم و نهادها بر سر آنها توافق کرده‌اند یا درک می‌کنند به نفع آنها است (استریتن، ۱۳۸۳: ۱۹۴). با درک حاکمیت، می‌توان این مفهوم را برای کشور، شرکت، سازمانهای غیرانتفاعی، سازمانهای مردم‌نهاد^۳، شرکتهای سهامی و دیگر انجمنها، گروه‌های طرح و هر جمعی از افراد به کار برد که در فعالیتی هدفدار درگیر هستند. در ادامه به توضیح مختصری از برخی کاربردهای این مفهوم پرداخته می‌شود که با این تحقیق ارتباط بیشتری دارد.

حاکمیت عمومی: حاکمیت بیشتر عوامل اجرایی و فرایند محور حکومت کردن را در برمی‌گیرد و به‌طور کلی حاکمیت عمومی از سه طریق وسیع ایجاد می‌شود:

۱. از طریق شبکه‌ها شامل شرکتهای عمومی - خصوصی^۴ (ppp) یا با همکاری سازمانهای

اجتماعی

-
1. Weiss
 2. Institute for Governance, Ottawa
 3. NGOs
 - 4 Public-Private Partnership

۲. از طریق استفاده از ساختار بازار که به موجب آن اصول رقابت بازار در حالی در تخصیص منابع به کار می‌رود که تحت مقررات دولت عمل می‌کند.

۳. از طریق روشهای بالا به پایین که عمدتاً شامل دولتها و بوروکراسی دولتی می‌شود (دانایی فرد و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۰).

حاکمیت ملی: حاکمیت ملی، توان نهادی سازمانهای دولتی برای عرضه کالاهای مورد تقاضای عمومی به کمک شهروندان کشور با نمایندگان آنها به صورت کارا، شفاف، منصفانه و همراه با پاسخگویی با توجه به منابع محدود تعریف شده است (دانایی فرد و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۰).

حاکمیت خصوصی: حاکمیت خصوصی زمانی اتفاق می‌افتد که نهادهای غیردولتی، شامل سازمانهای خصوصی، سازمانهای حل منازعات یا دیگر گروههای بخش سوم^۱ قوانین و/یا استانداردهایی را وضع می‌کنند که بر کیفیت زندگی عموم تأثیری نافذ دارد. در واقع نهادهای خصوصی - نه عمومی - در حال ساختن خطمشی‌های عمومی هستند؛ برای مثال شرکتهای بیمه اثر اجتماعی بزرگی دارند که غالباً نامرئی، و ناخودآگاه پذیرفته شده است؛ این یعنی شکل خصوصی از حاکمیت در جامعه. اصطلاح "خطمشی عمومی" نباید منحصرأ با خطمشی‌ای مرتبط شود که به وسیله دولت ایجاد می‌شود. خطمشی عمومی ممکن است به وسیله هر دوی بخش خصوصی یا بخش عمومی ایجاد شود. اگر کسی بخواهد تنها به خطمشی عمومی‌ای اشاره کند که به وسیله دولت ساخته شده است، بهترین تعبیر "خطمشی دولتی" است که ابهام متوجه عامل خطمشی - گذاری را برطرف می‌کند (دانایی فرد و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۱).

انواع الگوی حاکمیت

می‌توان نشان داد که نظریه‌های دولت تا کنون سه دوره متمایز و عمده را پشت سر گذاشته‌اند که عبارت است از نگرش مدیریت دولتی سنتی، نگرش مدیریت دولتی نوین و نگرش خدمات عمومی نوین (دنهارت، ۲۰۰۰؛ استیوریر، ۲۰۰۴؛ می‌هن، ۲۰۰۳؛ به نقل از سالارزهی و ابراهیم‌پور، ۱۳۹۰، ۵۵). در ادبیات مدیریت دولتی می‌توان زیرشاخه‌هایی را برای هر یک از این سه رویکرد عمده در نظر گرفت. نظریه‌های وبر، ویلسون و گودنو به عنوان نظریه‌های مرتبط به نگرش مدیریت دولتی سنتی، نظریه‌هایی نظیر دولت کارافزین، بازآفرینی دولت و مدیریت دولتی نوین

1 Third party groups

زیرشاخه‌های نگرش دوم و مباحثی نظیر حاکمیت خوب و خدمات عمومی نوین از نظریه‌های عمده نگرش سوم است. خردمایه هر یک از این نگرشهای سه‌گانه را می‌توان به ترتیب نظریه شکست دولت، نظریه شکست بازار و نظریه شکست ارزشهای عمومی در نظر گرفت (جوانعلی آذر، ۱۳۹۵: ۲۵). به‌طور خلاصه می‌توان گفت این نگرشها توجه خود را به ترتیب بر نقش دولت، بازار و ارزشهای عمومی در حاکمیت معطوف کرده است. جدول ذیل مقایسه‌ای میان ویژگیهای این رویکردها ارائه می‌کند:

جدول ۱. مقایسه رویکرد حاکم

مدیریت دولتی سستی	مدیریت دولتی نوین	خدمات عمومی نوین	
مفاهیم علوم سیاسی	نظریه های اقتصادی و توجه به مبانی علوم اجتماعی	نظریه مردم سالاری با تأکید بر معرفت شناسی	مبانی نظری
عقلانیت اداری	عقلانیت اقتصادی	عقلانیت راهبردی	عقلانیت و سبکهای رفتاری حاکم
در قالب نهادهای سیاسی و از طریق قانون	برابر با منافع فردی	برابندی از گفتمان و توافق گروه ها	تبیین منافع عمومی
جوابگو به دولت	جوابگو به مشتریان	جوابگو به شهروندان	جوابگویی
تصدی‌گری	راهبری	خدمت رسانی	نقش دولت
خط مشی‌ها و سازوکارهای اداری	جلب مشارکت خصوصی	ساختار شبکه ای و همکاری بخش دولتی با خصوصی	ساختار تحقق اهداف
دیوانسالاری	سازمان منعطف و متمرکز	ساختار شبکه ای	ساختار سازمانی
پرداخت حقوق و مزایا	روحیه کارافرینانه	کمک به جامعه و خدمت به شهروندان	سامانه انگیزشی

مقایسه رویکردهای سه‌گانه در مدیریت دولتی (دنهارت، ۲۰۰۰)

روش پژوهش

برای تدبر در قرآن کریم، پنج راهبرد اساسی ذکر شده که عبارت است از: ۱. تدبر آیه محور ۲. تدبر سیاق محور ۳. تدبر سوره محور ۴. تدبر داستان محور ۵. تدبر مسئله محور (لطیفی، ۱۳۹۰).

این تحقیق از نوع تحقیقات کیفی است که در آن محقق با استفاده از "روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم" در پی یافتن عوامل حاکمیت بد در بیان قرآن است. این روش، که منبع اصلی گردآوری داده‌ها در قرآن کریم است با استفاده از رویکرد تدبر داستان محور انجام می‌پذیرد. روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم در پی آن است که با استفاده از کلیدواژه‌های قرآنی، راه تحقیق موضوعی در قرآن را به روی همه علاقه‌مندان بگشاید تا زمینه تدبر و استنباط مفاهیم و نکته‌های قرآن به طریقی بی‌واسطه و مستقیم و نه به واسطه تفاسیری که تاکنون نوشته شده است در ارتباط با موضوعات مختلف برای همه فراهم شود؛ راهی که از قدیم تنها به روی عده معدودی باز بوده است (لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، ۱۳۸۵: ۱ - ۳۰). با دقت در بسیاری از تفاسیر موضوعی درخواستیم یافت که مؤلفان آنها می‌توانسته‌اند به جای آیاتی که برگزیده‌اند، آیات دیگری را انتخاب کنند و آن دسته از آیاتی که مطرح کرده‌اند، نسبت به بسیاری از آیات دیگر، هیچ ترجیحی ندارد؛ اما استفاده از کلیدواژه‌هایی دقیق، که پس از درک روشن از موضوع و با مشورت خبرگان علوم قرآنی انتخاب می‌شود، می‌تواند در حل این مسئله راهگشا باشد. منطق استفاده از کلیدواژه بر این دیدگاه مبتنی است که قرآن کتابی آسمانی و الهی و نازل شده از جانب خداوندی حکیم است که واژه واژه آن به صورتی دقیق و با غرضی خاص در آن چیده شده است و هر یک از ریشه‌های کلمات، معنایی متمایز را ارائه می‌کند (لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، ۱۳۸۵: ۱ - ۳۰).

مراحل اجرای این روش در ذیل به اجمال ذکر می‌شود:

مرحله مقدماتی

۱. انتخاب عنوان تحقیق موضوعی و کلیدواژه‌های آن

- انتخاب عنوان

- آشنایی با موضوع تحقیق

- ترجمه کلمات اصلی عنوان به عربی

- عرضه کلمات عنوان به معجم المفهرس

۲. آماده‌سازی اوراق اولیه تحقیق موضوعی

۳. نگارش صفحه عنوان و ثبت گزارش آغاز تحقیق

۴. تدارک فهرست آیات اصلی

۵. تدارک فهرست سیاقها

مرحله مفهوم یابی

نگارش متن کامل آیه اصلی با ذکر شماره ردیف و نشانی آن

- تلاوت مکرر آیه

- بررسی مفاهیم آیه

- یادداشت سؤالات

- بررسی مفاهیم آیه در سیاق آن

- یادداشت نظم‌ها و هماهنگی‌ها

- به یاد سپاری مفاهیم و سؤالات

- بازنگری سرتاسری مفاهیم

- مراجعه به متون تفسیری

مرحله گسترش یا فشرده کردن تحقیق موضوعی

۱. گسترش تحقیق موضوعی

تحقیق و بررسی کلمات مترادف با کلمه موضوع

- بررسی کلماتی که در مسیر تحقیق قرار دارد

- بررسی آیات اصلی در سراسر سوره

۲. فشرده‌سازی تحقیق موضوعی

- تحقیق موضوعی در محدوده حزب مفصل

- بررسی کلی آیات قبل از آیه اصلی

- مطالعه موضوعی به‌جای تحقیق موضوعی

مرحله تدوین و تألیف

۱. تدارک طرح بخشها و فصلهای تحقیق

۲. شناسه‌گذاری مفاهیم

۳. نگارش (لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، ۱۳۸۵)

لازم به ذکر است یکی از مسائل اساسی نظریه پردازان، چگونگی سنجش اعتبار تحقیقات است که با دو مفهوم روایی و پایایی توصیف می‌شود. البته این مفاهیم لزوماً در تحقیقات کیفی و تحلیلی

مقبول نیست و می‌توان آنها را با ایجاد و توسعه معیارهای متناسب با تحقیقات کیفی جایگزین کرد؛ برای این منظور مفاهیم اتقان (برخورداری از قوت در برداشت و فهم آیه، ضمن پرهیز از تفسیر به رأی) و افاده (پاسخگویی جامع و کامل به مسئله پژوهش و نیاز) پیشنهاد شده است (لطیفی، ۱۳۹۰: ۴۷). در این تحقیق پس از بازنگری سراسری تمام اوراق مفهوم یابی و تبیین ارتباطات مفاهیم و پس از مراجعات مکرر به تفسیر گرانقدر المیزان به منظور اطمینان از درستی مفاهیم قرآن و تصحیح برداشتهای اشتباه، مرحله تدوین و تألیف آغاز شد. در این مرحله، ابتدا ۶۵ عنوان اصلی از کل مفاهیم به دست آمد که پس از بازنگری آنها در قالب پنج بخش اصلی دسته‌بندی، و سپس در قالبی سازماندهی شد که در ادامه ارائه می‌شود. سرانجام یافته‌های تحقیق در دسته‌های یاد شده قرار گرفت که در ادامه این یافته‌ها مطرح می‌شود. نکته حائز اهمیت تحقیق این است که در بسیاری از تحقیقات مشابه، فرایند پژوهش به این صورت است که برای اثبات یا نفی نظریه‌های حاکمیت غربی به سراغ متون اسلامی رفته‌اند و با یافتن گزاره‌هایی از این متون در تأیید یا ردّ عوامل و شاخصها و مفاهیم آن نظریات، نهایتاً حکم به قبولی یا عدم قبولی آن نظریه می‌کنند؛ اما در این تحقیق به دنبال تحصیل شناختی از نظریه اسلامی حاکمیت خوب بودیم؛ به این منظور با استفاده از قاعده "تُعرفُ الأشياءُ بأضدادها" سعی شد با شناخت حاکمیت فرعونی به‌عنوان مصداق کامل حاکمیت بد در قرآن، گامی در جهت شناسایی نظریه حاکمیت بد در قرآن برداشته شود. بنابراین، پس از بررسی ادبیات موجود و نقد آن و به دست آوردن درکی نسبتاً جامع از حاکمیت، وقتی نوبت به تدبر در قرآن و فهم نظریه حاکمیت فرعون در قرآن رسید با چشم‌پوشی از نظریات خاص حاکمیت در ادبیات موجود و با استمداد از همان درک ادبیات نسبت به حاکمیت، سعی شد تمرکز اصلی نگارنده بر فهم نظریه قرآنی قرار بگیرد نه اینکه به اثبات یا ردّ نظریه‌ای خاص پرداخته شود. این نکته به پرهیز از شائبه تفسیر به رأی قرآن کریم منجر می‌شود؛ چراکه همه مفاهیم، دسته‌بندی و مطالب در این تحقیق از دل قرآن و تدبر در آن به‌دست آمده و بدون در نظر داشتن نظریه‌ای خاص به قرآن مراجعه شده است تا بیان آن در زمینه موضوع حاکمیت فهم شود. بنابراین باید گفت این‌گونه طبقه‌بندی از ابعاد حاکمیت فرعون، که در ادامه ارائه می‌شود، نشأت گرفته از مفاهیمی است که مؤلف با تدبر در قرآن به آن رسیده است و اصولاً نمی‌تواند ادعای جامعیت کند؛ چراکه ممکن است ابعادی از حاکمیت از دید نگارنده مغفول مانده باشد و محققان دیگری آن ابعاد را در قرآن بیابند ضمن اینکه برای دریافت نظریه‌ای جامع از حاکمیت در قرآن به بررسی

حداقل تمامی آیات قرآن نیاز است؛ اگر نخواهیم روایات مربوط به آیات را به آن اضافه کنیم. در این تحقیق، تنها به بررسی حاکمیت فرعونی پرداخته شده که خود محدودیت دیگری در زمینه تحقیق قرآنی است.

استدلال استعاره‌ای

در این پژوهش برای تبیین پدیده حاکمیت از راهبرد استدلال استعاره‌ای بهره گرفته شده است. استعاره به معنای بیان وجهی از شباهت میان دو پدیده است که در اثر آن حکم و پدیده به پدیده دیگر تعمیم داده می‌شود. استعاره‌ها با طرح نوعی همانندی میان پدیده مورد بررسی و پدیده‌ای که بیشتر شناخته شده است و به طور طبیعی معادل یکدیگر تصور نمی‌شود، زمینه کشف نقاط اشتراک میان آن دو را ایجاد می‌کند و به انسان اجازه می‌دهد نقاط تاریک پدیده مورد بررسی را بهتر درک کند. می‌توان سه نوع نگاه مختلف به استعاره و جایگاه آن در نظریه‌پردازی را ردیابی کرد که مؤلفان، دیدگاه اول تا سوم را مبنای کار خود قرار داده‌اند:

۱. استعاره، ابزار ادبی قابل اجتناب

۲. استعاره، ابزار تحریف ایدئولوژیک

۳. استعاره، شیوه تفکر (دانایی فرد، ۱۳۸۶، ۱۰۹).

دیدگاه سوم نسبت به استعاره و جایگاه آن در نظریه‌پردازی در رویکردهای ذهنی به علوم اجتماعی بویژه پدیدارشناسی، مردم‌شناسی و نظریه کنش اجتماعی ریشه دارد. بر اساس این دیدگاه، واقعیت‌های اجتماعی پدیده‌هایی جدا از ذهنیت انسانها و دارای ماهیتی مستقل و واحد نیست، بلکه وجود و ماهیت آنها به ادراکات بازیگران اجتماعی وابسته است. بر این اساس، فرایند ساخت نظریه‌های علمی نیز در پی عینیت بخشی به ساختهای خود از طریق سازه‌های نمادین و استعاره‌ها شکل می‌گیرد (دانایی فرد، ۱۳۸۶: ۱۱۴ و ۱۱۵). علامه طباطبایی نیز با تبیین مفهوم ادراکات اعتباری و بیان فرایند تولید اعتباریات، نقش مهمی را برای استعاره‌ها در ساخت مفاهیم اجتماعی قائل هستند. از نگاه ایشان ما جهان اجتماعی را به گونه‌ای ارادی و با بهره‌گیری از منطق استعاره ایجاد می‌کنیم؛ استعاره‌ای که یک سوی آن (مشبه به) در جهان حقایق و سوی دیگر آن (مشبه) در جهان اجتماعی است و ما با اراده خودمان وجه شبه میان دو پدیده را خلق می‌کنیم و حکم مشبه به را به مشبه تعمیم می‌دهیم (جوانعلی آذر، ۱۳۹۴: ۱۱۴).

یافته‌های پژوهش

به کارگیری استدلال استعاری در تبیین الگوی حاکمیت خوب برای توضیح و تبیین بیشتر الگوی حاکمیت در بیان قرآن از استعاره "درخت" استفاده می‌شود که در نتیجه تأمل در ارتباطات و با استمداد از استعاره قرآنی "شجره طیبه و شجره خبیثه"^۱ و "شجره ملعونه"^۲ به ذهن نگارنده رسیده^۳. توضیح اینکه در هر درخت سه جزء اصلی ریشه، تنه و میوه‌ها هست که ریشه اصلی‌ترین و درعین حال مخفی‌ترین جزء درخت است و همه قسمت‌های دیگر بر اساس آن شکل می‌گیرد. در قسمت بعدی، تنه درخت هست که متصل‌کننده ریشه به میوه‌ها است و ارتباط و تأثیر ریشه در رشد میوه‌ها از طریق آن تأمین می‌شود. قسمت دیگر درخت، که ظاهرترین و چشم‌نوازترین قسمت درخت است، میوه‌ها و شاخ و برگ درخت است و البته بود یا نبود آنها در وجود اصل درخت تأثیر ندارد و تعداد و نوع و کیفیت آنها نیز می‌تواند متفاوت باشد. البته باید توجه کرد که همان‌طور که قوام درخت به وجود ریشه آن است و در صورت فساد ریشه، اصل درخت نابود می‌شود، خود درخت و ریشه‌های آن ممکن است در اثر افتادن میوه‌ای در دل خاک و سپس ریشه دواندن دانه‌هایی شکل بگیرد که در دل آن میوه وجود دارد. بنابراین اگرچه میوه بالفعل در درخت وجود دارد، درخت هم بالقوه در میوه وجود دارد. این مطلب ارتباط و تأثیر دوسویه میوه و ریشه‌ها را بر هم نشان می‌دهد؛ اما استفاده‌ای که از این استعاره در الگوی حاکمیت فرعون می‌شود این است که برای حاکمیت نیز می‌توان ریشه، تنه و میوه‌هایی در نظر گرفت. ریشه شکل‌گیری حاکمیت در اینجا نوع نگرش و نسبتی است که آن حاکمیت با خالق و مدبر هستی برقرار می‌کند و این بخش از حاکمیت، درونی‌ترین بعد آن است. نگرش حاکمیت فرعون در این نسبت، غفلت از ربوبیت الهی است. این ریشه، آفریننده تنه‌ای است که در اینجا آن

۱. ألم تر کیف ضرب الله مثلاً كلمة الطيبة كشجرة طيبة أصلها ثابت وفرعها في السماء (۲۴) تؤتی أكلها كل حين بإذن ربها و يضرب الله الأمثال للناس لعلهم يتذكرون (۲۵) و مثل كلمة خبيثة كشجرة خبيثة اجتثت من فوق الأرض ما لها من قرار (۳۶)، سوره (۱۴).

۲. و ما جعلنا الرؤيا التي أرىناك إلا فتنة للناس و الشجرة الملعونة في القرآن و نخوفهم فما يزيدهم إلا طغيانا كبيرا (۶۰)، سوره (۱۷).

۳. جالب اینکه مقصود از عبارت "شجره طیبه و خبیثه" در قرآن توحید و شرک است (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۷۵-۷۲) که در حکمرانی فرعون به‌عنوان ریشه در نظر گرفته شده است و "شجره ملعونه" در قرآن نیز به حاکمان بنی‌امیه، که از نمونه‌های روشن حکمرانی بد هستند، اشاره دارد (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۱۹۶-۱۸۸).

را رویکرد حاکمیت نامیده‌ایم. منظور از رویکرد جهت‌گیری کلی حاکمیت است که برگرفته از نگرش خاص آن حاکمیت است و به ایجاد میوه‌ها و بهره‌های آن منجر می‌شود. رویکرد حاکمیت فرعون‌ی را با استفاده از آیات قرآن و درک نگارنده از مجموع آیات، بی‌توجهی به حقیقت و پیروی صرف از منافع دنیوی تشخیص داده‌ایم. ثمره این ریشه و تنه، که آن را در عملکرد حاکمیت فرعون‌ی در نسبت با خدا به‌عنوان ظاهرترین بخش این درخت می‌بینیم، چیزی جز تکذیب و نافرمانی پیامبران الهی نخواهد بود.

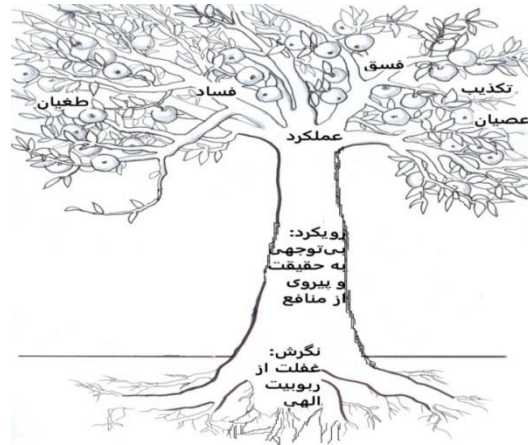
همین استعاره در بعد دوم حاکمیت نیز قابل اجرا است که همان رابطه آن با مردم است؛ به این ترتیب که ریشه آن را نگرش بندگی نسبت به مردم و ادعای ربوبیت و تدبیر مستقل کار انسانها برای خود شکل می‌دهد. تنه آن، که نشأت گرفته از همان ریشه است، رویکرد برتری‌طلبی و استکبار حاکمیت فرعون‌ی است و درنهایت نوبت به میوه‌ها و بهره‌های این شجره خبیث می‌رسد که همان عملکرد فرعون در ظاهرترین بعد حاکمیت است و شامل تضعیف مردم، استبداد رأی، ظلم و بی‌عدالتی، تبلیغات و فریب مردم و سرکوب مخالفان می‌شود. بر این اساس حتی در صورتی که درخت حکومت ریشه‌هایی سالم داشته، و به تعبیر دیگر بر اساس نگرش و اصول الهی شکل گرفته باشد، نباید نسبت به مبدل شدن به حاکمیت بد احساس امنیت داشته باشد و باید با استفاده از سازوکارهایی (نظیر ایجاد نهادهایی که بر کلیت حکومت نظارت دارد و انحرافات احتمالی را گوشزد می‌کند). پیوسته نگران انحراف حاکمیت از مسیر الهی، و نسبت به این مسئله هوشیار و حساس باشد؛ چرا که همان‌گونه که بیان شد، اگرچه اساس و قوام درخت حکومت بر ریشه‌های آن استوار است و این نگرش و رویکرد الهی است که جهت کلی حاکم بر آن را معین می‌کند در صورت سر بر آوردن میوه‌هایی خبیث نظیر ظلم و فریب و استبداد رأی و... از درخت حکومت و استمرار این وضعیت در آن بتدریج رویکرد حاکمیت دچار انحراف می‌شود و این بیماری پس از خشکاندن تنه درخت حاکمیت به ریشه‌های آن سرایت می‌کند و به تغییر کلی هویت حکومت منجر می‌شود و شجره ملعونه حاکمیت بد را جایگزین خود خواهد کرد. بر اساس استنباطات قرآنی مؤلف، الگوی حاکمیت فرعون را می‌توان از طریق الگوی ذیل نشان داد. در این الگو، که متناسب با استعاره درخت نیز هست، هر سه بعد نگرشی، رویکردی و عملکردی حاکمیت فرعون در سه بعد نسبت با خداوند، نسبت با مردم و زمینه‌های اجتماعی در یکدیگر ادغام، و به‌طور کلی سه بعد نگرش، رویکرد و عملکرد برای حاکمیت فرعون بیان می‌شود. این الگو را می‌توان به‌صورت ذیل

ترسیم کرد:

عملکرد	در نسبت با خدا: تکذیب و عصیان، طغیان، فساد، فسق در نسبت با مردم: تضعیف، استبداد، ظلم و تبعیض، سرکوب مخالف
رویکرد	در نسبت با خدا: بی توجهی به حقیقت و پیروی از منافع در نسبت با مردم: استکبار و علو نسبت به مردم
نگرش	در نسبت با خدا: غفلت از ربوبیت الهی در نسبت با مردم: ربوبیت بر مردم

شکل ۱. الگوی حاکمیت فرعونی

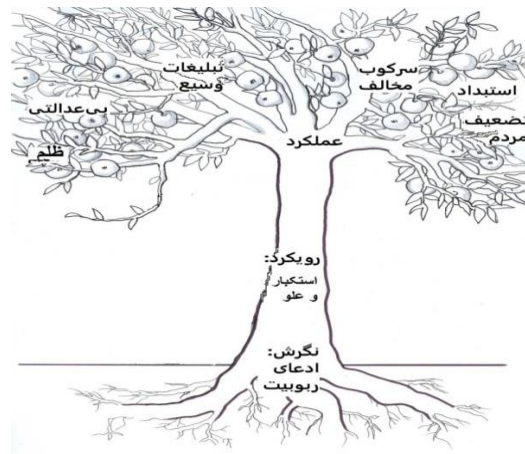
اگرچه در نظریات توسعه و حاکمیت غربی به نقش دین و ارتباط حکومت با خداوند ذکری به میان نیامده است، باید گفت که در نظریات توسعه اسلامی، دین نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. به علاوه، نپرداختن به این موضوع، اگرچه به معنی نپذیرفتن ولایت الهی است، نمی‌تواند به معنی رهایی مطلق از هرگونه ولایتی باشد؛ چراکه در ادبیات قرآنی، دو گونه ولایت برای نوع انسان ذکر شده که یکی ولایت الهی برای مؤمنان است و دیگری ولایت طاغوت است که دربرگیرنده کافران به ولایت الهی است (۲۵۷، سوره ۲). بنابراین نکته، لزوم موضعگیری نسبت به دین و خداوند، که خالق بشر است، روشن می‌شود؛ چراکه در غیر این صورت به ناچار موضعی غیر آگاهانه و ناخواسته گرفته‌ایم و از آنجا که ایمان به خداوند جز از طریق علم و آگاهی استقرار نمی‌یابد، کسی که در این باره دچار غفلت شود به ناچار تحت ولایت طاغوت خواهد بود. بر این اساس در ادامه سه عامل اصلی نگرشی، رویکردی و عملکردی را برای حاکمیت فرعونی در ارتباط با خداوند، حقیقت و رسولان الهی ذکر می‌کنیم. ابعاد حاکمیت فرعونی در نسبت با خداوند را، مطابق استعاره درخت، چنین می‌توان نمایش داد:



شکل ۲. ابعاد حاکمیت فرعون‌ی در نسبت با خداوند

حاکمیت فرعون‌ی در نسبتی که با مردم دارد نیز ویژگی‌های خاصی را نشان می‌دهد. البته به نظر می‌رسد بسیاری از این ویژگی‌ها، که مانند بخش قبل در سه قسمت نگرش، رویکرد و عملکرد حاکمان نسبت به مردم و در برابر مردم ارائه می‌شود، ناشی از دیدگاه‌ها و عقایدی است که در بخش قبل به آن پرداخته شد؛ برای مثال همان‌طور که پیشتر نیز بیان شد، غفلت از حقیقت "رب‌العالمین" به‌عنوان مدیر کار تمام عالم و از جمله کار عالم انسانی، موجب اعتقاد به الهه‌های گوناگون برای هر یک از بخش‌های عالم و رب دانستن پادشاهانی نظیر فرعون برای مردم تحت سلطه شد؛ چراکه در ظاهر، این پادشاهان بودند که کارهای مردم را تدبیر می‌کردند و مالک جان و مال و آزادی و روزی آنها بودند. بنابراین هرکسی که قدرت و شوکت بیشتری در سلطه بر مردم داشته باشد، بیشتر شایسته ادعای ربوبیت خواهد بود. این‌گونه است که ریشه‌های مادپرگرای و ارزشگذاری طبق دارایی‌های مادی به وجود می‌آید. به همین دلیل است که فرعون با استناد به قدرت و شوکت فرمانرواییش، خودش را از موسی (ع) برتر می‌داند و جالب است که قومش نیز این استدلال را می‌پذیرند: "و نادى فرعون فى قومه قال يا قوم اليس لى ملك مصر و هذه الأنهار تجري من تحتى أفلا تبصرون (۵۱) أم أنا خير من هذا الذى هو مهين و لا يكاد يبين (۵۲) فلولاً ألقى عليه أسورة من ذهب... (۵۳) فاستخفّ قومه فأطاعوه... (۵۴)، سوره ۴۳). بنابراین در واقع نزاع میان موسی (ع) و حاکمیت فرعون در سطح عمیقتر، نزاع میان هنجارها، باورها و ارزشهای اجتماعی

است. فرعون نیز سعی می‌کند با تثبیت و ترویج ارزشهای مادی، قدرت خود را حفظ کند. از سوی دیگر، موسی(ع) قصد دارد با تغییر این ارزشها به سوی ارزشهای معنوی، جامعه را به سمت دیگری هدایت کند. غفلت از حقیقت رب‌العالمین به ادعای ربوبیت برای عالم انسانی توسط فرعون و شکل‌گیری ارزشگذاری طبق مادیات و ارزشمند دانستن افراد دارای قدرت و ثروت در جامعه منجر شد. گسترش این نوع ارزشها در جامعه نیز به نوبه خود توجیه‌گر چرایی برتری طلبی و ادعای خدایی و ربوبیت فرعون بر مردم تحت حکومتش و در نتیجه ستمگری‌ها و تضعیف مردم است. بنابراین می‌توان ویژگیهای اعتقادی و ارزشی فرعونیان را علت شکل‌گیری نوع خاص دیدگاه آنان از رابطه حاکمیت با مردم دانست و در وهله بعدی، این دیدگاه را دلیل نوع عملکرد فرعونیان با مردم به شمار آورد. در ادامه به تبیین بیشتر پرداخته می‌شود. ابعاد حاکمیت فرعون در نسبت با مردم در قالب شکل ذیل مبتنی بر استعاره درخت این چنین خواهد بود:



شکل ۳. ابعاد حاکمیت فرعونی در نسبت با مردم

این ادعای ربوبیت و تدبیر کار انسانها، تنها مختص فرعونیان نیست؛ بلکه همه سلطه‌گران و مستکبران عالم، هرچند به ظاهر چنین ادعایی ندارند از آنجا که خود را مالک و تدبیرگر کار انسانها می‌دانند در این ویژگی مشترک هستند. خداوند نیز در قرآن حقیقت بعثت پیامبر را در همه امتها در طول تاریخ دعوت به عبادت خدا و پرهیز از عبادت طاغوت می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲:

۳۵۳): "و لقد بعثنا فی کلّ أمّة رسولا أن اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت... (سوره ۱۶). کلمه طاغوت به معنای انسان ظالم و جبار متمرّد و یاغی از وظایف بندگی خداست؛ البته تمرّدی که از باب گردنکشی نسبت به خدای تعالی باشد و کسانی نیز که طاغوت را هر معبودی دانسته‌اند که غیر از خدا پرستیده شود، برگشت گفتارشان به همین معناست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۶۲۴). قرآن کریم در آیات مختلفی، مؤمنان را با پرهیز دادن از پذیرش ولایت طاغوتی و عبادت آن و در مقابل، بازگشت به ولایت الهی و عبادت خالص برای او ترغیب می‌کند: "والذین اجتنبوا الطاغوت أن یعبدوها و أنابوا إلی الله لهم البشری فبشّر عباد" (سوره ۳۹). بیان این آیه به گونه‌ای است که گویا گاهی طاغوت بر زندگی انسانها حکومت می‌کند و بندگان مخلص خداوند کسانی هستند که از عبادت و اطاعت این طاغوتها خودداری می‌کنند؛ بنابراین خودداری از عبادت طاغوت ساده نیست، بلکه کاری است که تنها عباد مخلص خداوند از عهده آن برمی‌آیند. در آیه‌ای دیگر، خداوند پس از اینکه مؤمنان را به اطاعت از رسول و پذیرش حاکمیت او و اولی الامر (اهل بیت) امر می‌کند، کسانی را که به حاکمیت طاغوت روی می‌آورند، بی‌ایمان می‌خواند و آنها را تحت ضلالت شیطان می‌داند: "یا ایها الذین آمنوا أطيعوا الله و أطيعوا الرسول و اولی الامر منکم فإن تنازعتم فی شیء فردّوه إلی الله و الرسول إن كنتم تؤمنون بالله و الیوم الآخر ذلک خیر و أحسن تأویلا (۵۹) ألم تر إلی الذین یزعمون أنّهم آمنوا بما أنزل إلیک و ما أنزل من قبلک یریدون أن یتحاكموا إلی الطاغوت و قد أمروا أن یکفروا به و یرید الشیطان أن یضلّهم ضلالا بعیدا (۶۰) سوره ۴). بنابراین آیات، پذیرش حاکمیت طاغوت همان عبادت طاغوت است و عبادت درجایی مطرح است که ادعای ربوبیتی هم باشد. بر اساس یافته‌های محقق در این پژوهش، دأب قرآن بر این است که همه کارهای عالم بر رابطه‌ای با خداوند استوار است؛ چراکه اوست که خالق و مدبر هستی است و بازگشت نهایی همه به سوی اوست: "إلیه یرجع الأمر کلّه" (سوره ۱۱).

این موضوع در بحث حاکمیت فرعونی نیز جاری است؛ چراکه قرآن علت اصلی عدم موفقیت او و یا به تعبیری "بد بودن" حاکمیت او را نتیجه نسبتی می‌داند که او در برابر خداوند و ربوبیت او در پیش گرفته است. بنابراین نسبتی که هر حکومت در بعد نگرشی با حقیقت و خداوند به خود می‌گیرد که همان حق مطلق است، شکل‌دهنده و سامان‌دهنده همه ابعاد دیگر حاکمیت است؛ به عبارت دیگر، نگرش و گرایش خاص کلیت حاکمیت فرعون در نسبت با خداوند به اتخاذ رویکردی خاص در ارتباط با حقیقت منجر می‌شود. و این رویکرد شکل‌دهنده نوع عملکرد

حاکمیت خواهد بود. در گام بعد، نگرش و رویکرد و عملکرد حاکمیت فرعون در نسبت با ربوبیت الهی، اتخاذ نگرش و رویکرد و عملکردهایی را در برابر مردم نتیجه می‌دهد. ناگفته نماند از آنجا که باطن حاکمیت، همان نسبت حاکمیت با ربوبیت الهی، و ظاهر آن همان نسبتی است که با مردم برقرار می‌کند، ممکن است حاکمیت به صورتی آگاهانه نسبت خود را با آن باطن مشخص نکرده باشد، بلکه ناخودآگاه نگرش و گرایشی نسبت به آن داشته باشد. البته در این صورت این نسبت نمی‌تواند نسبتی ایمانی و مثبت باشد؛ چرا که ایمان به خداوند جز به شیوه‌ای آگاهانه صورت نمی‌گیرد.

طبق الگوی مفهومی ارائه شده، ارتباط این مفاهیم به این صورت است که دو بعد اصلی برای حاکمیت شامل نسبت با خداوند و نسبت با مردم در نظر گرفته می‌شود که بعد اول، اصلی و باطنی حاکمیت است که تجلی آن در بعد دوم ظهور می‌کند که ظاهر حاکمیت را شکل می‌دهد. در هر یک از این ابعاد، سه قسمت نگرش، رویکرد و عملکرد وجود دارد که به ترتیب منشأ قسمت‌های بعدی خواهد بود. در بعد اول، نگرش حاکمیت فرعون غفلت از ربوبیت الهی، رویکرد آن بی‌توجهی به حقیقت و پیروی از منافع و عملکرد آن عصیان و تکذیب پیامبران و کتابهای الهی است. در بعد دوم، نگرش حاکمیت فرعون ادعای خدایی بر مردم، رویکرد آن استکبار و علو نسبت به آنها و عملکرد آن شامل تضعیف مردم، استبداد رأی، ظلم و بی‌عدالتی، دستگاه تبلیغاتی وسیع و سرکوب مخالفان می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

از دیدگاه اسلام همه رویکردهای ادبیات مدیریت دولتی، دیدگاهی دنیوی به حکومت دارد و تحقق منافع دنیوی عامه را هدف نهایی خود قرار داده است؛ حتی رویکرد خدمات عمومی نوین نیز، که به ظاهر با رویکردهای قبلی متفاوت، و به دنبال ارزشهای اجتماعی و انسانی است با تأمل بیشتر روشن می‌شود که این رویکرد نیز با رویکردهای پیشین تفاوت ماهوی ندارد و صرفاً با توجه به جنبه‌های غیراقتصادی اداره جامعه از رویکردهای پیشین فاصله گرفته است که بیشتر رنگ اقتصادی دارد (جوانعلی آذر، ۱۳۹۵: ۵۱). به علاوه می‌توان نقدهایی مبنایی‌تر را بر اساس فلسفه این رویکرد مطرح کرد که در نئولیبرالیسم و مفهوم توسعه غربی ریشه دارد (ر.ک: فرقانی، ۱۳۹۴).

تبیین حاکمیت خوب

همان‌طور که پیشتر بیان شد، صرفاً بر اساس تحقیق در زمینه حاکمیت فرعون‌نی نمی‌توان مدعی فهم کامل نظریه قرآنی از حاکمیت خوب شد، بلکه برای این کار حداقل به بررسی تمامی حاکمیت‌هایی نیاز است که در قرآن به آنها پرداخته شده است؛ اما در حدود همین تحقیق نیز می‌توان دلالت‌هایی را برای نظریه حاکمیت خوب از دیدگاه قرآن به دست آورد بویژه با در نظر گرفتن میزان پرداختن قرآن به حاکمیت فرعون‌نی که تعداد زیادی از آیات را در نسبت به سایر حاکمیت‌های مطرح شده در قرآن به خود اختصاص داده است. بر این اساس، برخی از دلالت‌های حاکمیت فرعون‌نی برای نظریه حاکمیت خوب اسلامی به‌عنوان ویژگی‌های حاکمیت خوب از نظر قرآن در ادامه ارائه می‌شود:

۱. خداباوری: در حاکمیت فرعون‌نی با مفاهیمی نظیر غفلت از ربوبیت خداوند (آیه ۲۳، سوره ۲۶)، دشمنی با خداوند (آیه ۳۹، سوره ۲۰)، عدم هشجاری نسبت به سنت‌های الهی (آیات ۵۳ تا ۵۹، سوره ۲۶)، عبرت نگرفتن از سرگذشت اقوام هلاک شده (آیات ۳۰ تا ۳۲، سوره ۴۰)، ترس از عذاب الهی و حتی ادعای خدایی و ربوبیت بر مردم (آیه ۳۸، سوره ۲۸؛ آیه ۲۴، سوره ۷۹) روبه‌رو هستیم. در حاکمیت خوب از دیدگاه قرآن باور به توحید و ربوبیت الهی بر تمامی عالم، تذکر نسبت به سنت‌های الهی و ترس از خداوند و عذاب دنیوی و اخروی او از ویژگی‌های بارز اعتقادی است.

۲. حق‌مداری: یکی از ویژگی‌های اساسی حاکمیت فرعون‌نی، بی‌توجهی به حقیقت (آیه ۱۴، سوره ۲۷) و پیروی صرف از منافع مادی و نیز ارزش‌گذاری مادی (آیه ۱۴، سوره ۲۷) بود؛ اما در حاکمیت خوب به‌عنوان نقطه مقابل حاکمیت بدی که حاکمیت فرعون‌نی مصداق کامل آن است، حق‌مداری را می‌توان به‌عنوان اصلی اساسی در نظر گرفت. در حاکمیت خوب، حقیقت در جایگاهی والا قرار دارد و مصالح تا حدی دنبال می‌شود که بر حق و در ارتباط با آن مبتنی شد. بر این اساس، ویژگی‌هایی نظیر طغیان (آیه ۱۷، سوره ۲۴)، عصیان از پیامبران (آیه ۱۶، سوره ۷۳)، تردید و تکذیب فرستادگان خداوند (آیه ۲۴، سوره ۴۰) جای خود را به صفاتی نظیر پیروی از حق، اطاعت از اوامر الهی، تصدیق و پیروی از پیامبران می‌دهد.

۳. تکریم مردم: در حاکمیت خوب از دیدگاه اسلامی، مردم در حکومت نقش محوری و مهمی دارند. برعکس این مطلب در حاکمیت فرعون‌نی تحت عنوان مفاهیمی نظیر استبداد رأی (آیه

۲۹، سوره ۴۰، برتری جویی در زمین (آیه ۳۱، سوره ۴۴)، تضعیف مردم (آیه ۴، سوره ۲۸)، منت گذاشتن بر مردم (آیه ۴، سوره ۲۸)، خوار کردن مردم (آیه ۲۱، سوره ۲۶) به بردگی کشاندن مردم (آیه ۵۴، سوره ۴۳)، تفرقه افکنی میان آنها (آیه ۴، سوره ۲۸) و تحقیر مخالفان (آیه ۵۲، سوره ۴۳) مشاهده می‌شود؛ اما حاکمیت خوب برای رأی و نظر مردم احترام و اهمیت خاصی قائل است. این موضوع در مواردی نظیر قائل بودن به حق انتخاب برای مردم در تصمیم‌گیریهای سیاسی و انتخابات، اجازه مشارکت دادن به مردم در برخی موارد، گاهی مشورت گرفتن از آنها و نیز پذیرفتن انتقاد و موعظه مردم متجلی می‌شود که در کلام امیرالمؤمنین (ع) با عبارت "النصيحة" به معنای خیرخواهی بیان و به عنوان حق متقابل حاکم و مردم بر یکدیگر تلقی شده است (انصاریان، ۱۳۸۰: ۱۰۹-۱۰۸).

البته حاکمیت خوب به سبب ویژگی حق‌مداری که بیان شد، لزوماً در همه جا مشارکت و مشورتهای مردم را نمی‌پذیرد، بلکه اگر درجایی حرف حقی دارد که مخالف نظر مردم است بر آن پافشاری می‌کند؛ اما این ویژگی را باید بر مبنای حق‌مداری آن فهمید و نه خودمداری.

۴. عمل صالح و اصلاحگری: در حاکمیت فرعون و ویژگیهایی نظیر فساد (آیه ۱۲، سوره ۸۹)، طغیان (آیه ۱۱، سوره ۸۹)، جرم (آیه ۱۳۳، سوره ۷)، فسق (آیه ۳۲، سوره ۲۸)، خطاکاری (آیه ۹، سوره ۶۹) و رفتار زشت (آیه ۳۷، سوره ۴۰) وجود دارد. بنابراین حاکمیت خوب را می‌توان واجد ویژگی اصلاحگری در زمین و اقدام نسبت به رفتار صالح دانست.

منظور از فسادی که حاکمیت فرعون در زمین انجام می‌داد این است که آفرینش عمومی که انسانها را ایجاد کرده است در میان طایفه‌ای با طایفه‌ای دیگر در گسترش وجود تفاوتی نگذاشته و تمامی آنها را به طور مساوی از هستی بهره داده است؛ آن‌گاه همه را به جهازی آماده کرده است که به سوی حیات اجتماعی با بهره‌گیری از مواهب حیات زمین هدایت می‌کند تا هر یک به قدر ارزش وجودی و وزن اجتماعی خود بهره‌مند شوند؛ این همان اصلاحی است که صنع ایجاد از آن خبر می‌دهد و تجاوز از این سنت و آزاد ساختن قومی و برده کردن قومی دیگر و بهره‌مندی عده‌ای از چیزهایی که استحقاق آن را ندارند و محروم کردن برخی دیگر از آنچه سزاوار آن هستند، افساد در زمین است که انسانیت را به سوی هلاکت و نابودی می‌کشاند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۸). بنابراین اصلاحگری در زمین به معنای حفظ و پیروی از قوانین آفرینش عمومی و هدایت تکوینی الهی است که در آن جریان یافته است.

۵. عدالت: تبعیض گسترده در میان اقوام (آیه ۴، سوره ۲۸) که از مصداقهای فسادگری در حاکمیت فرعون است و ظلم و ستم (آیه ۵۴، سوره ۸) در شدیدترین حد نسبت به بنی اسرائیل که نسل کشی آنان از موارد آن است (آیه ۴۹، سوره ۲) و نیز تمرکز ثروت و قدرت در دست عده‌ای محدود (آیه ۸۸، سوره ۹۰)، جزء ویژگیهای بارز در حاکمیت فرعون است. در مقابل در حاکمیت خوب می‌توان از عدالت به‌عنوان اصل محوری نام برد که در راستای تعریف عدالت، که "اعطاء کلّ ذی حقّ حقّه" است در آن با تبعیض و ظلم مبارزه، و از مظلوم حمایت می‌شود تا هر ذی‌حقی به حقش برسد. به‌علاوه در حاکمیت خوب، تبعیض و تمرکز ثروت و قدرت وجود نخواهد داشت؛ چراکه در حکومت عدالت‌محور، همگان حق و امکان دسترسی برابر به فرصت‌ها و امکانات جامعه را خواهند داشت. البته این به معنای برابری در معنای کمونیستی آن، که با ایجاد نظام اشتراکی اجباری، تلاشهای افراد را نادیده می‌گیرد و خود نوعی از بی‌عدالتی را ایجاد می‌کند، نیست، بلکه در حاکمیت خوب، تنها برابری در امکانات و فرصتها ایجاد می‌شود؛ اما هرکسی به میزانی که با تلاش خود از این فرصتها استفاده کرد به همان میزان از آنها بهره‌مند خواهد شد.

۶. صداقت با مردم: در حاکمیت فرعون‌ی شاهد ویژگیهایی از قبیل فریب مردم (آیات ۵۱ تا ۵۴، سوره ۳۴) و تحریک آنها (آیات ۵۴ تا ۵۶، سوره ۲۶)، تطمیع افراد (آیه ۱۱۴، سوره ۷)، القای شبهه (آیه ۵۱، سوره ۴۳) و استفاده از تبلیغات وسیع (آیات ۳۹ و ۴۰، سوره ۲۶) برای به انحراف کشاندن اذهان عمومی بودیم؛ اما در حاکمیت خوب، حکومت، امین مردم قلمداد، و با آنها با صداقت کامل در رفتار و گفتار رویارویی می‌شود. البته این مطلب به این معنا نیست که حاکمیت خوب موظف است که همه کارها را به مردم گزارش کند؛ چراکه ممکن است بر اساس مصالح جامعه برخی از حقایق را از آنها پنهان نگه دارد؛ اما سعی می‌شود که تا حد امکان مردم را در جریان کارها قرار دهد و در همین میزانی که به مردم اطلاعات می‌دهد در این کار صداقت دارد و اطلاعات صحیحی در جهت آگاهی بخشی به جامعه در اختیار آنها قرار دهد.

۷. قدرت مردمی: در میان عوامل حاکمیت فرعون‌ی ویژگیهایی نظیر شکوه ظاهری (آیات ۶ تا ۸، سوره ۲۸)، قدرت‌نمایی (آیات ۶۲ تا ۵۴، سوره ۲۰) و تکیه به ثروت و قدرت (آیات ۵۴ تا ۵۹، سوره ۲۶) از طرفی و ضعف درونی (آیات ۱۱ تا ۱۳، سوره ۳۸) و ترس از مخالفان (آیات ۳۹ و ۴۰، سوره ۲۸) از سوی دیگر به چشم می‌خورد. بنابراین اتکا و اعتماد حاکمیت فرعون‌ی بر ثروت و قدرت مادی است و به همین سبب در ظاهر شکوه و قدرت و هیبتی عظیم دارد؛ اما به سبب اینکه

پشتوانه و حمایت مردمی ندارد که قدرت واقعی است از درون دچار ضعف می‌شود و به همین دلیل از مخالفان مستضعفی مانند بنی‌اسرائیل هراسی دائمی دارد. در حاکمیت خوب جدای از اعتماد به امداد الهی، این مردم هستند که قدرت حکومت را بیش از هر عنصر دیگر تضمین می‌کنند.

۸. پایبندی به تعهدات: یکی از ویژگیهای منفی حاکمیت فرعون، که در چندین آیه از قرآن نیز بر آن تأکید شده است، عهدشکنی (آیات ۱۳۴ و ۱۳۵، سوره ۷) است. حاکمیت فرعون از این عامل به عنوان یک راهبرد برای گرفتن امتیاز از حضرت موسی (ع) در مواقعی استفاده می‌کند که نیاز به گفتگو با ایشان پیدا می‌کند. درواقع حاکمیت فرعون هنگام احساس ضعف و نیاز به دشمنان خود برای رفع مشکلاتش متعهد می‌شود که در صورت عمل طرف مقابل به خواسته‌هایش، او هم امتیازاتی را به آنها بدهد؛ اما پس از اینکه مشکلش حل شد براضی عهدش را زیر پا می‌گذارد و آن را فراموش می‌کند. در حاکمیت خوب؛ همان‌طور که در سیره حکومتی پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) مشاهده می‌کنیم، پایبندی به تعهدات یکی از اصول مستحکم است تا جایی که حضرت علی (ع) در جریان شورای شش نفره، حاضر می‌شود حکومت را، که حق الهی او بود از دست بدهد، اما تعهدی را که قصد اجرای آن را ندارد، یعنی پیروی از سیره شیخین به دیگران ندهد.

۹. حفظ انسجام حکومت و جامعه: در حاکمیت فرعون شاهد اختلافاتی در میان حاکمان (آیه ۶۲، سوره ۲۰) بودیم. به‌علاوه این حاکمیت برای حفظ قدرت و حاکمیت خود از راهبرد تفرقه‌افکنی میان مردم و فرقه فرقه کردن آنان (آیه ۴، سوره ۲۸) استفاده می‌کرد. در حاکمیت خوب حفظ اتحاد و انسجام، چه در میان حاکمان و نهادهای حاکمیتی و چه در میان گروه‌های مختلف جامعه از ویژگیهای اصولی است؛ چراکه اختلاف و پراکندگی از ویژگیهای جریان باطل است؛ اما جریان حق از آنجاکه حق یکی بیش نیست، همواره وحدت و یکپارچگی در مسیر حقیقت دارد.

۱۰. ایجاد فضای امن در جامعه: یکی از ویژگیهای حاکمیت فرعون، که از آیات بسیاری قابل‌برداشت است، ایجاد فضای رعب و وحشت در جامعه (آیه ۷۱، سوره ۲۰) بویژه برای مخالفان ایدئولوژی ربوبیت فرعون است که دائماً مورد تهدیدات و شکنجه‌ها و کشتارهای شدید قرار گرفته‌اند (آیه ۴۹، سوره ۲). در حاکمیت خوب تلاش می‌شود در جامعه فضایی امن برای همگان و

بویژه منتقدان فراهم شود تا از ایجاد استبداد رأی جلوگیری شود. البته باید میان انتقاد مشفقانه با تخریبهای مغرضانه و برپایی هیاهو و تشویش و تحریف اذهان جامعه تفاوت قائل شد.

۱۱. هدایت جامعه به راه حق: راهبری به گمراهی (آیات ۹۷ تا ۹۹، سوره ۱۱) و در نتیجه درافکندن مردم به عذاب دنیوی (آیه ۱۳۶، سوره ۷) و اخروی (آیه ۴۶، سوره ۴۰) خداوند از ویژگیهای حاکمیت فرعونی است. در حاکمیت خوب، هم و غم حاکمیت، هدایت جامعه به سوی صلاح و رستگاری است؛ چراکه در نگرش اسلامی، حکومت به مثابه امانتهایی الهی در دست حاکمان است که وظیفه هدایت جامعه را بر عهده مسئولان قرار می‌دهد.

پیشنهادها

در این راستا حاکمیت خوب وظیفه دارد در سه سطح اعتقادی، ارزشی و رفتاری، جامعه را ارتقا دهد و به سوی حق هدایت کند. حکومت در سطح اعتقادی باید درک جامعه را از حقایق و معارف دینی نظیر خداوند و صفات او، ربوبیت تکوینی و تشریحی او بر تمام عالم، معاد، نبوت، امامت و... افزایش بدهد و از این طریق ایمان آنها را تقویت کند. در سطح بعد باید به ترویج ارزشهای معنوی و فرهنگ‌سازی در این زمینه پردازد و در سطح سوم به تصحیح صفات و رفتارهای غلط و غیردینی مردم نظیر اسرافگری، ظلم، دروغ، تکبر و... در حد توان اهتمام ورزد. در این نوشتار دلالت‌های قرآنی حاکمیت خوب با توجه به عوامل حاکمیت فرعونی به عنوان مصداق بارز حاکمیت بد و با روش یاد شده برشمرده شد؛ اما برای اینکه بتوان با اطمینان بیشتری الگوی حاکمیت خاصی را به قرآن نسبت داد، باید تمامی حاکمیت‌هایی که در قرآن به آنها پرداخته شده است، اعم از خوب یا بد، مورد بررسی قرار گیرد. از آنجاکه در این تحقیق تنها به بررسی حاکمیت فرعون پرداخته شد، پیشنهاد می‌شود دیگر حاکمیت‌های مطرح شده در قرآن نظیر حاکمیت حضرت سلیمان(ع)، حاکمیت داود(ع)، حاکمیت پیامبر(ص)، حاکمیت نمرود و... مورد بررسی قرار گیرد و سپس با مقایسه نتایج آنها به عنوان تکه‌های یک جورچین به تکمیل الگوی حاکمیت مطلوب در قرآن اقدام کرد.

منابع فارسی

قرآن کریم

- ابراهیم پور، حبیب و سالارزهی، حبیب‌الله (۱۳۹۰). "بررسی سیر تحول در پارادایم‌های مدیریت دولتی: از پارادایم مدیریت دولتی سنتی تا پارادایم حاکمیت خوب"، مدیریت دولتی (دانشگاه تهران)، ش ۹: ۶۲ - ۴۳.
- استریتن، پل، (۱۳۹۰). "حاکمیت خوب: پیشینه و تکوین مفهوم"، حمیدرضا ارباب، در احمد میدری و جعفر خیرخواهان، حاکمیت خوب: بنیان توسعه (مجموعه مقالات)، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- اعلامیه هزاره ملل متحد (۱۳۸۳). تهران، مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران.
- الوانی، مهدی و عزیززاده ثانی، محسن (۱۳۸۶). "تحلیلی بر کیفیت حاکمیت خوب در ایران"، مطالعات مدیریت بهبود و تحول، ش ۵۳: ۲۴ - ۱.
- جوانعلی آذر، مرتضی (۱۳۹۵). "منطق دخالت دولت در جامعه"، گفتارهای جدید در خط مشی گذاری، تهران: دانشگاه امام صادق(ع): ۲۱ - ۶۵.
- جوانعلی آذر، مرتضی (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی نظریه ساخت اجتماعی واقعیت و نظریه اعتباریات علامه طباطبایی(ره) و تبیین دلالت‌های آن در حوزه سیاست‌گذاری، پایان نامه دکتری دانشکده اقتصاد و مدیریت/ دانشگاه تربیت مدرس.
- حسینی، علی، واثق، علی (۱۳۹۳). حاکمیت خوب و حاکمیت شایسته بر اساس دیدگاه امیرالمؤمنین، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، س سوم، ش دوم: ۷ - ۲۸.
- دانایی فرد، حسن؛ باباشاهی، جبار؛ آذر، عادل و کردنائیچ، اسدالله (۱۳۹۱). "تحول در رفاه ملی: آیا حاکمیت خوب نقش مهمی ایفا می‌کند؟"، پژوهش‌های مدیریت در ایران، س ۱۶، ش ۴: ۲۷.
- دانایی فرد، حسن و الوانی، مهدی (۱۳۸۶). "استراتژی استدلال استعاره‌ای در نظریه‌پردازی: شکل‌گیری تئوری جابه‌جایی مدیران دولتی"، فصلنامه مدرس علوم انسانی، س ۱۱، ش ۳: ۱۰۷ - ۱۳۵.
- دباغ، سروش، نفری، ندا (۱۳۸۶). "تبیین مفهوم خوبی در حاکمیت خوب"، نشریه مدیریت دولتی، س ۱، ش ۳: ۱۸ - ۳.
- رفیع‌پور، فرامرز، (۱۳۸۷). "اقتراح: نسبت دین و توسعه"، قیسات، س سوم، ش ۷.
- سردارنیا، خلیل‌الله (۱۳۸۸). "اثر سرمایه اجتماعی بر حاکمیت خوب"، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۲۵۹: ۱۳۲ - ۱۴۵.
- سید محسنی باغسنگانی، محمدمهدی (۱۳۸۵). قانون خدمات کشوری در پرتو نظریه حاکمیت خوب، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق/ دانشگاه امام صادق(ع).
- طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، محمدباقر موسوی همدانی (۱۳۷۴). قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی، ج ۴: ۱۲ و ۱۳.

فرقانی، یونس (۱۳۹۴). مؤلفه‌های حاکمیت بد در قرآن؛ مطالعه موردی: مؤلفه‌های حاکمیت فرعونی در بیان قرآن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده مدیریت/دانشگاه امام صادق(ع).

لسانی فشارکی، محمدعلی و مرادی زنجانی، حسین (۱۳۸۵). روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم، زنجان: قلم مهر، ص ۵۹.

لطیفی، میثم (۱۳۹۰). "روش‌شناسی راهبردهای تدبیر در قرآن کریم: استقرایی از پژوهش‌های میان‌رشته‌ای مدیریت اسلامی در دهه اخیر"، اندیشه مدیریت راهبردی، س پنجم، ش دوم: ۵۵ - ۲۵.

منوریان، عباس (۱۳۷۹). "از دولت خوب تا حکومت‌داری خوب"، فصلنامه مدیریت دولتی، ش ۴۸ - ۴۹: ۱۸.

هداوند، مهدی (۱۳۸۴). "حاکمیت خوب، توسعه، حقوق بشر"، نشریه حقوق اساسی، س سوم، ش چهارم: ۸۶ - ۵۱.

منابع انگلیسی

- Demmers, Jolle. et. Al. (2005). "Good Governance and democracy in a world of neoliberal regimes", in Demmers, Jolle, et.al, Good Governance in the Era of Global Neoliberalism, Tylor & Francis e-Library.
- Denhardt, Robert.B. (2000). " The New Public Service: Serving Rather Than Steering", Public Administration Review, 60 (6): 211.
- Kaufmann, D, Kraay, A. (1999). Aart and Zoido-Lobato'n, Pablo, "Governance Matters", World Bank Policy Research Paper 2196: 1-61.
- Meehan, E. (2003). " From Government to Governance, Civic Participation and 'New Politics"; Occasional Paper, 5(2): 18-21
- Steurer, R. (2004). "Strategic Public Management as Holistic Approach to Policy Integration", Vienna University of Economics and Business Administration Research Focus Area Managing Sustainability, 17 (1): 173
- Weiss, Thomas G. (2000). "Governance, Good Governance and Global Governance: Conceptual and Actual Challenges", Third World Quarterly, 21 (5): 142.
- Zhang, Yin-Fang, (2003). "Towards better regulatory governance? University of Manchester, economics department.

